

بایسته‌های دستگیری متهم در نظام حقوقی انگلستان و اسناد بین‌المللی^۱

عبدالرضا جوان جعفری^۲

محمد نوروزی^۳

چکیده

منظور از دستگیری، سلب آزادی فرد در پاسخ به اتهام کیفری جهت حاضر نمودن وی نزد مرجع قضایی است. این اقدام که مغایر اصل آزادی و با حقوق متهم در تعارض است، باید در نهایت احتیاط و با رعایت موازین حقوقی به عمل آید؛ و در غیر این صورت مسؤلیت‌آور خواهد بود. هدف از نگارش این مقاله، مطالعه‌ی استانداردهای عملیات دستگیری در نظام حقوقی انگلستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که حقوق انگلستان به تبعیت از اسناد بین‌المللی، دستگیرکنندگان را به رعایت بایسته‌هایی چون اعلام دستگیری و دلایل آن، استفاده از نیروی متعارف و تحویل فوری متهم مکلف کرده و سازکارهای مربوط به این الزامات نیز در این نظام حقوقی پیش‌بینی شده است.

واژگان کلیدی: انگلستان، اسناد بین‌المللی، متهم، افسر پلیس، بایسته‌های

بازداشت.

۱. تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۶/۴/۱۷، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۶/۸/۲۷.

۲. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

۳. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، نویسنده‌ی مسؤل:

درآمد

در نظام‌های حقوق کیفری، آزادی فردی و مصونیت شخص از سلب آزادی، به عنوان یک قاعده مورد پذیرش قرار گرفته است؛ لیکن وضعیت برخی افراد به گونه‌ای است که ظن قوی ارتکاب جرم توسط ایشان وجود دارد و لازم است برای حضور نزد مراجع قضایی در دسترس باشند. در این شرایط، دستگیری و تحویل فرد به مرجع ذیصلاح قضایی مجاز شناخته شده است.

دستگیری در لغت به معنای اسیر کردن و گرفتار ساختن است (معین، ۱۳۸۶: ۶۸۱) و از منظر اصطلاحی، عبارت است از محروم ساختن موقت متهم از حق آزادی آمد و شد^۱ به قصد حاضر نمودن وی نزد مراجع ذیصلاح (انصاری فرد، ۱۳۸۰: ۳۵۳). به عبارت دیگر، دستگیری به معنای سلب آزادی شخص مظنون در پاسخ به یک اتهام کیفری است که به واسطه‌ی اختیارات قانونی اشخاص ذیصلاح اجرا شده (Wakefield & Fleming, 2009: 7) و با اعلام این جمله به متهم که «شما بازداشت هستید»^۲ محقق می‌شود.^۳ این محدودیت ناشی از حکم قانون‌گذار است و توسط افسران پلیس و در مواقع غیر عادی توسط شهروندان صورت می‌گیرد. هدف از نگارش این مقاله، بررسی الزاماتی است که افسران پلیس و شهروندان مکلفند حین عملیات دستگیری یا در اولین زمان ممکن پس از آن مورد توجه قرار دهند. در این راستا تجارب نظام حقوقی انگلستان و ولز^۴ تبیین می‌شود و اسناد بین‌المللی نیز مورد بحث است. اهمیت مطالعه‌ی این موضوع در نظام‌های مذکور از آن جهت است که در حقوق ایران چنین بایسته‌هایی گاه به صراحت

۱. به موجب این حق، هر فردی اختیار دارد به هر جا که تمایل دارد برود و هیچ‌کس توانایی محدود نمودن این حق افراد را ندارد؛ مگر به حکم قانون. در این رابطه لرد دیلهورن (Lord Dilhorn) در خصوص معنای دستگیری اعلام نموده است: «دستگیری افراد بستگی به قانونی بودن توقیف ایشان ندارد، بلکه به این معناست که آیا او را از رفتن به جایی که مطلوبش بوده، محروم کرده‌اند یا خیر» (Vollans & Asquith, 2011: 97).

2. “you are under arrest”

3. <https://www.luu.org.uk/helpandadvice/crimeandlaw/beingarrested/>

۴. انگلستان و ولز (England & Wales) یک حوزه‌ی قضایی محسوب می‌شوند. با جمع اسکاتلند به این حوزه، بریتانیای کبیر (Great Britain) تشکیل می‌شود. اگر ایرلند شمالی را نیز به این حوزه اضافه نماییم، پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland) شکل خواهد گرفت.

پیش‌بینی نشده و ابعاد و زوایای آن به روشنی ترسیم نگردیده است؛ بنابراین از یافته‌های این پژوهش می‌توان در فرایند قانون‌گذاری داخلی استفاده کرد.

در آغاز این نوشتار، ضرورت اعلام دستگیری و دلایل آن به متهم را تبیین نموده و از حدود و ثغور این بایسته، چگونگی اطلاع‌رسانی و طریقه‌ی مستندسازی آن صحبت خواهیم کرد. آگاه شدن متهم از دستگیری و دلایل آن، مانع از سرگردانی وی شده و زمینه‌ی کنکاش پیرامون قانونی بودن فرایند بازداشت را فراهم می‌نماید. از طرفی، متهم مستظهر به اصل برائت است و لذا حفظ کرامت وی از هرگونه رفتار خشونت‌بار ضروری است. بنابراین در ادامه به ضرورت استفاده از نیروی متعارف جهت دستگیری متهمان می‌پردازیم؛ استفاده‌ی غیر معقول از نیروی قهری، زمینه‌ی مقاومت و دفاع مشروع متهم را فراهم می‌کند. ممکن است نفس دستگیری غیر قانونی باشد و موجبات ورود زیان به حقوق افراد را فراهم کند. با تحویل فوری متهم به مرجع دارای صلاحیت قانونی، این فرصت برای وی حاصل می‌شود تا در اسرع وقت به این بازداشت اعتراض نماید. بنابراین در انتهای مقاله از حق متهم جهت انتقال فوری وی صحبت خواهد شد. در آغاز هر مبحث، ابتدا به بررسی اسناد بین‌المللی می‌پردازیم و پس از آن، تشریح یافته‌های حقوق انگلستان در عرصه‌ی مذکور مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۱. ابلاغ دستگیری و دلایل آن

منظور از این بایسته، آگاهی متهم از نفس دستگیری و دلایل آن به محض تحقق عملیات توقیف است.^۱ بدین ترتیب تعقیب و دستگیری متهم می‌بایست منطقی، توجیه‌پذیر و بر اساس ضوابط قانونی باشد و پس از ارائه‌ی علل دستگیری به عمل آید. ابلاغ این دلایل که ممکن است توسط مأمور بازداشت‌کننده یا همکاران او صورت گیرد،^۲ افزون بر خروج متهم از بلا تکلیفی و سرگردانی، باعث

۱. اطلاع از دستگیری و دلایل آن مقوله‌ای متفاوت از تفهیم اتهام است. منظور از تفهیم اتهام، اعلام صریح اقدام مجرمانه به متهم در آغاز تحقیقات است تا وی بداند برای ارتکاب چه رفتار مجرمانه‌ای احضار شده و بتواند به نحو صحیح از خود دفاع کند؛ حال آن‌که اطلاع از دستگیری و دلایل آن، حقی است که حین دستگیری یا در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از آن انجام می‌شود و هدف از آن، تبیین قانونی بودن فرایند بازداشت است.

۲. در این رابطه در دعوای *Dhesi v Chief Constable of West Midlands Police* مقرر گردید

آگاهی وی از علت دستگیری می‌شود تا بتواند قانونی بودن آن را مورد مناقشه قرار دهد. بدین ترتیب اطلاعاتی که در مورد علت بازداشت داده می‌شود، باید دقیق و جزیی باشد تا متهم بتواند به بهترین نحو از براءت خود دفاع کند (محمدی قوهکی، ۱۳۹۳: ۵). در دستگیری‌های شهروندی^۱ نیز به علت کم بودن اطلاعات حقوقی شهروندان و احتمال توقیف غیر قانونی افراد، ضرورت این بایسته به شدت احساس می‌شود. البته این ابلاغ الزاماً لسانی نبوده و ممکن است برخی از رفتارهای دستگیر کننده بیانگر اعلام دستگیری و دلایل آن باشد؛ مانند موردی که دستگیر کننده به تعقیب سارق پرداخته و بدون آن که صحبتی کند، او را دستبند زده و به اداره‌ی پلیس منتقل می‌کند.

در عرصه‌ی بین‌المللی، به موجب بند ۲ از ماده‌ی ۹ و شق الف بند ۳ ماده‌ی ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ میلادی^۲، اصل ۱۰ و بند ۲ از اصل ۱۱ مجموعه اصول حمایت از افراد تحت هر گونه اشکال بازداشت یا حبس مصوب ۱۹۸۸ میلادی^۳، بند ۴ از ماده‌ی ۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹ میلادی^۴ و بند ۲ ماده‌ی ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ میلادی^۵، هر فردی که دستگیر یا بازداشت می‌شود، باید فوراً از دلایل سلب آزادی خود آگاهی یابد، در این رابطه کمیته‌ی حقوق بشر در دعوای پرتوریل علیه جمهوری دومینیک^۶ در رابطه با دستگیری و کیلی که بدون آگاهی از دلایل دستگیری به مدت پنجاه ساعت در بازداشت بود، اعلام نمود که این عمل تحقیرآمیز و غیر انسانی بوده و ناقض حقوق متهم در فرایند بازداشت محسوب

لازم نیست دلایل بازداشت توسط شخص بازداشت کننده ابلاغ گردد و گاه توسط همکاران وی اعلام می‌شود (Murphy & Eric, 2011: 1189).

1. Citizen's arrest
2. International Covenant on Civil and Political Rights (1966)
3. Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment (1988)
4. American Convention on Human Rights (1969)
5. European Convention on Human Rights (1950)
6. Portorreal v Dominican Republic

می‌شود (Joseph & Castan, 2013: 278). در قضیه‌ی خانم مارگارت مورای^۱ که توسط نظامیان در منزلش دستگیر گردید؛ بدون آن که علل دستگیری به وی ابلاغ گردد، کمیسیون اروپایی حقوق بشر پس از شکایت خانم مارگارت در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۱ میلادی، دادخواست وی را پذیرفت و موضوع را از موارد بند ۲ ماده‌ی ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دانست (حاتمی و حاجی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۵۴). هم‌چنین در دعوی یک نفر علیه جمهوری فدرال آلمان^۲، این کمیسیون اعلام نمود که متهم می‌بایست از دلایل موجب دستگیری خود که مبنای تصمیم‌گیری در خصوص بازداشت وی بوده، مطلع گردد تا بتواند اتهام وارده را قبول یا رد کند (Chandr mohan Upadhyay, 1999: 17 and 30). البته همان‌طور که این اسناد پیش‌بینی کرده‌اند، صرف اعلان دستگیری و دلایل آن کافی نبوده و لازم است این اطلاعات «در اسرع وقت» به اطلاع دستگیر شده برسد. از منظر کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل، ابلاغ سریع دلایل بازداشت باعث می‌شود که اگر متهم معتقد به بی‌اعتباری این مستندات باشد، بتواند گام‌های فوری را جهت آزادی خویش بردارد (محمدی قوهکی، ۱۳۹۳: ۱۰).

در این میان حقوق متهم ایجاب می‌کند لفظ «فوراً» در این اسناد به نحو مضیق^۳ تفسیر شود (Pati, 2009: 77). البته در مواردی که متهم به نحو متعارف از دلایل دستگیری خود آگاهی می‌یابد، مقداری تأخیر در ابلاغ صریح این دلایل موجه به نظر می‌رسد. در پرونده‌ی گریفین علیه اسپانیا^۴، شهروند کانادایی در اسپانیا به اتهام حمل مواد مخدر در اتومبیل شخصی‌اش دستگیر شد و صبح روز بعد از دلایل دستگیری آگاهی یافت. وی ادعا نمود که حین دستگیری به علت فقدان مترجم از دلایل دستگیری و اتهامات وارد آگاه نگردیده است. کمیته‌ی حقوق بشر در این رابطه اعلام نمود که اتومبیل متهم در محضر وی تفتیش شده و مواد ممنوعه یافت گردیده است؛ لذا ادعای عدم آگاهی از دلایل دستگیری غیر منطقی است و تأخیر

-
1. Margaret Murray
 2. x v Federal Republic of Germany
 3. Strictly
 4. Griffin v Spain

در ابلاغ این دلایل دارای مشروعیت قانونی است (Crawshaw, 2008: 102). گاه ممکن است ابلاغ این دلایل به محض دستگیری محقق نشود و انجام آن موکول به انتقال متهم به اداره‌ی پلیس باشد. در پرونده‌ی فاکس، کامبل و هارتلی علیه پادشاهی متحد^۱ مقرر گردید که وقفه‌ی چند ساعته میان عملیات دستگیری و تحقیق که باعث می‌شود فرد بازداشت شده با تعلق از دلایل دستگیری‌اش مطلع شود، ناقض مفاد بند ۲ ماده‌ی ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر جهت ابلاغ فوری اتهام و دلایل آن نیست (Rainey, 2015: 83).

در نظام حقوقی انگلستان نیز نفس دستگیری^۲ و دلایل آن می‌بایست در کوتاه‌ترین زمان ممکن به اطلاع وی برسد و در غیر این صورت عملیات بازداشت غیر قانونی خواهد بود (Faragher, 2015: 199).

به موجب بند ۵ ماده‌ی ۲۴ قانون پلیس و ادله‌ی کیفری^۳، عمده دلایلی که ضرورت بازداشت را ایجاب می‌نماید، عبارتند از:

«الف- برای احراز نام متهم (در فرضی که افسران نام متهم را نمی‌دانند و احراز این نام نیز برای ایشان غیر ممکن است؛ و یا این که تردید واقعی نسبت به صحت نام ارائه شده وجود دارد)؛

ب- به همین ترتیب در خصوص آدرس متهم؛

ج- برای پیش‌گیری از آن که فرد به خود یا دیگری آسیب^۴ بزند، متحمل صدمه‌ی فیزیکی^۵ شود، باعث تلف و تخریب اموال گردد، مرتکب جرمی علیه عفت عمومی^۶ گردد (با ملاحظه‌ی بند ۶) و یا باعث مسدود شدن غیر قانونی بزرگراه

1. Fax, Cambell and Hartley v UK

۲. منظور، بیان این جمله به متهم است که «شما بازداشت می‌باشید» (you are under Arrest).

3. Police and Criminal Evidence Act

4. injury

5. physical injury

6. public decency

در نظام حقوقی انگلستان، جرایم علیه عفت عمومی از جمله جرایم قابل تعقیب (Indictable offence) است که از منظر مردم زشت، ناپسند و تکان‌دهنده می‌باشد و احتمالاً بیش از یک نفر ناظر ارتکاب این بزه بوده‌اند. به موجب بند ۶ این مقرر، این نوع جرایم زمانی محقق می‌شود که افراد معمول جامعه به طور معقول نتوانند از رفتار فرد مذکور چشم‌پوشی کنند. برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به:

شود؛

د- حمایت از اطفال یا سایر اشخاص آسیب‌پذیر^۱ در مقابل شخص مورد

نظر؛

ه- تجویز تحقیقات ضروری و کارآمد در مورد جرم یا رفتار مورد نظر؛
و- پیش‌گیری از هرگونه تأخیر در تعقیب آن جرم که به واسطه‌ی متواری شدن شخص مورد نظر ایجاد می‌شود»^۲.

بدین ترتیب در نظام حقوقی انگلستان، صرف ارتکاب جرم مجوز دستگیری افراد است و وجود حداقل یکی از جهات پیش‌گفته برای دستگیری افراد ضروری است (M. W. Billing, 2016: 165). به طور مثال در دعوای نیکولاس علیه پارسونگ^۳، پلیس فردی را که به صورت خطرناک اقدام به راندن دوچرخه می‌نمود متوقف کرد و از او مشخصات شخصی و آدرس محل زندگی‌اش را مطالبه نمود. با امتناع دوچرخه‌سوار از ارائه‌ی این اطلاعات، وی به علت قصور در ارائه‌ی اطلاعات دستگیر شد (Slapper & Kelly, 2011: 303). البته ابلاغ مستدل و مسجل این دلایل لازم نیست و در خصوص علت تشخیص صحت دلایل ارائه شده با دادگاه است و هدف مقنن از این بایسته، صرفاً ایجاد فرصت برای متهم است تا با گفتن مطالبی که باعث منقضی شدن دلیل دستگیری‌اش می‌شود، مانع از وقوع یک دستگیری غیر قانونی یا اشتباه شود (بیراوند، کوشا، هاشمی و رنجبر، ۱۳۸۹: ۲۱۴). از طرفی اطلاعاتی که پس از دستگیری به فرد ارائه می‌شود، لازم نیست به همان اندازه خاص و دقیق باشد که برای آمادگی فرد جهت دفاع در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی اعلام می‌گردد.

<http://www.inbrief.co.uk/offences/outraging-public-decency/>

۱. اشخاص آسیب‌پذیر (Vulnerable person) کسانی هستند که به علت شرایط روحی- روانی، بیماری و یا کهولت سن، نیاز به خدمات مراقبت اجتماعی داشته و قادر به مراقبت از خود نمی‌باشند. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: (Mandelstam, 2009: 23).

۲. در حوزه‌ی دستگیری شهروندی، به موجب بند ۴ ماده‌ی ۲۴ الف قانون پلیس و ادله‌ی کیفری، این دلایل عبارتند از: «الف- جلوگیری از ایجاد صدمه‌ی فیزیکی به خود یا سایرین؛ ب- جلوگیری از اتلاف و خسارت اموال توسط شخص بازداشت شده؛ پ- جلوگیری از گریختن متهم پیش از آن که افسر پلیس بتواند مسؤولیت وی را بپذیرد».

3. Nicholas v parsonage

در قوانین انگلستان، این موضوع افزون بر ماده‌ی ۲۸ قانون پلیس و ادله‌ی کیفری، در بند ۳ ماده‌ی ۱۰ آیین‌نامه‌ی اجرایی سی^۱ پیش‌بینی شده است. در این راستا دادگاه در دعوای کریستی علیه لیچینسکی^۲ مقرر نمود که حق اساسی هر شهروند، آگاهی از دلایل دستگیری است تا بداند حق مقاومت در برابر بازداشت را دارد یا خیر (Zander, 2007: 204)؛ چرا که از پیش در دعوای هنری علیه راگوبار^۳ مقرر شده بود که اگر فردی به طور غیر قانونی دستگیر شود، حق مقاومت در برابر بازداشت کننده را خواهد داشت^۴ (Kodilinye, 2014: 40). روشن بودن دلایل دستگیری نیز مانع از انجام این تکلیف نیست^۵، مگر آن که متهم پیش از ابلاغ این دلایل فرار کند (Jason-Lloyd, 2005: 77). افزون بر این، در دعوای دی.پی.ی علیه هاوکینز^۶ اعلام شد که برخی افعال متهم مانند رفتار خشونت‌آمیز وی ممکن است ابلاغ دلایل دستگیری توسط افسران را غیر ممکن کند. در این حالت، دستگیری و نگهداری متهم تا زمانی که دلایل بازداشت باید به وی ارائه شود، قانونی خواهد بود (Slapper and Kelly, 2011: 303). هم‌چنین در حالتی که متهم قادر به درک اتفاقات صورت گرفته نباشد مانند زمانی که وی مست است، مأموران پلیس مکلف به کنترل سریع او بوده و دستگیری و دلایل آن در ایستگاه پلیس به او ابلاغ می‌شود (Jason-Lloyd, 2005: 77).

از آنجا که هدف از این تکلیف، حمایت از متهم و حقوق وی می‌باشد، دستگیری و دلایل آن می‌بایست به زبان متهم ابلاغ گردد^۷؛ ضمن آن که به منظور

1. PACE Code C, Para 10.3

2. Christie v Leachinsky

3. Henry v Ragoobar

۴. این موضوع در سمینار نقش پلیس در حمایت از حقوق بشر (۱۹۶۳) سازمان ملل نیز مطرح شد و اعلام گردید که «هیچ کس مکلف نیست خود را مطیع یک عمل غیر قانونی کند». مبنای استدلال ایشان این تفکر بود که حق آزادی افراد آن قدر مهم است که حتی اگر منتهی به بیم آزادسازی چند بزهدار شود، باز هم باید رعایت گردد (انصاری‌فرد، ۱۳۸۰: ۳۸۷).

۵. رجوع شود به بند ۴ ماده‌ی ۲۸ قانون پلیس و ادله‌ی کیفری.

6. DPP v Hawkins

۷. در اسناد بین‌المللی، این موضوع در بند ۲ ماده‌ی ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و اصل ۱۴ مجموعه اصول برای حمایت همگی افراد در مقابل هر گونه بازداشت یا زندان پیش‌بینی شده است.

جلوگیری از سردرگمی فرد بازداشت شده، نباید از اصطلاحات تخصصی و مبهم استفاده نمود (Emmerson & Ashworth and Macdonald, 2012: 271). این موضوع به صراحت در دعوای تیولر علیه رئیس پلیس دره‌ی تامز^۱ در انگلستان طرح شد. شاکی این پرونده کودک بازداشت شده‌ی ده سال‌های بود که به همراه مادرش در تظاهرات ضد زنده‌شکافی^۲ شرکت نمود. وی از طریق فیلم و عکس‌های گرفته شده شناسایی و به اتهام بی‌نظمی همراه با خشونت^۳ دستگیر گردید. شاکی با این استدلال که بازداشت کننده به روشنی ماهیت و هدف از دستگیری را اعلام نکرده است، ادعای غیر قانونی بودن عملیات بازداشت را نمود. دادگاه اعلام کرد عملیات بازداشت قانونی بوده و عبارات استفاده شده جهت ابلاغ دلایل، سلیس و کافی بوده است^۴. کمیته‌ی حقوق بشر نیز در دعوای رسچر کالدز علیه اورگی^۵ اعلام کرد که به صرف اعلام این موضوع که متهم تحت تدابیر امنیتی است، نمی‌توان او را دستگیر کرد و لازم است به دلایل صریح و روشن بازداشت اشاره شود (Crawshaw & Holmström, 2006: 209). این کمیته هم‌چنین در دعوای کالی علیه جامائیک^۶ بیان نمود که بازداشت متهم به لحاظ انجام برخی تحقیقات مربوط به قتل عمد، ناقض بند ۲ ماده‌ی ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است. در

1. Taylor v Chief Constable of Thames Valley Police

2. Anti-vivisection

ضد زنده‌شکافی تشکیلات انگلیسی منسجم به منظور حمایت از حقوق حیوانات و جلوگیری از زنده شکافی آن‌ها در تحقیقات پزشکی و داروسازی است. فعالیت این تشکیلات در مسائلی مانند آموزش، اعتراض ضد زنده‌شکافی، لابی‌گری سیاسی و تحقیقات در جهت حذف و ممانعت از آزمایش روی حیوانات است. برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به:

https://en.wikipedia.org/wiki/Anti-Vivisection_Coalition

۳. اختلال خشونت‌بار (Violent disorder) یک جرم قانونی در انگلستان و ولز است که در قسمت ۲ از بخش نخست قانون نظم عمومی مصوب ۱۹۸۶ (Public Order Act 1986) پیش‌بینی شده است. برای تحقق این جرم، حضور هم‌زمان حداقل سه نفر در صحنه‌ی جرم که با تشریک مساعی یکدیگر از خشونت تهدیدآمیز استفاده می‌کنند ضروری است؛ به گونه‌ای که بتوانند یک شخص متعارف حاضر در صحنه را نسبت به ایمنی خود نگران کنند (Beggs QC & Thomas and Rickard, 2013: 89).

4. <http://www.sixthform.info/lawblog/?p=121>

5. Drescher Caldas v Uruguay

6. Kelly v Jamaica

این پرونده متهم چندین هفته از ماهیت جرمی که مبنای دستگیری‌اش بوده آگاه نشد (بنگرید به: طه و اشرفی، ۱۳۸۶: ۵۰). بدین ترتیب لازم است این اطلاعات به زبان روشن و سلیس اعلام شود تا متهم علت دستگیری خود را به روشنی درک نموده و بتواند از خود دفاع کند.

گاه مأمور در ابلاغ این دلایل قصور نموده و بدون ذکر علت متهم را دستگیر می‌کند. حال باید دید که آیا ارائه‌ی آتی این اطلاعات، باعث قانونی شدن فرایند بازداشت می‌شود یا خیر.

در نظام حقوقی انگلستان در دعوای لی‌وایز علیه رئیس پلیس ولز جنوبی^۱ به این مهم اذعان شد. در دعوای مذکور، شاکیان بدون آن که دلایل دستگیری به ایشان ابلاغ گردد، توسط پلیس بازداشت شدند. در نهایت افراد مذکور به ترتیب پس از ۱۰ ساعت و ۲۳ دقیقه تأخیر، از این دلایل آگاهی یافتند. قاضی پرونده در پاسخ به شکایت مقرر نمود که اگر چه عملیات دستگیری در آغاز غیر قانونی بوده است، لیکن این عملیات با ارائه‌ی دلایل بازداشت قانونی شده است و صرفاً برای مدت زمان توقیف غیر قانونی، حکم به پرداخت ۲۰۰ پوند خسارت صادر نمود (Slapper and Kelly, 2011: 303). بدین ترتیب به نظر می‌رسد در نظام حقوقی انگلستان، قصور در اعلام دلایل بازداشت قابل جبران بوده و ابلاغ آتی دلایل باعث قانونی شدن آن می‌گردد (Parpworth, 2016: 476). هم‌چنین ممکن است جرم اعلام شده به مظنون، متفاوت از اتهامی باشد که متعاقباً به وی تفهیم می‌گردد. از آن‌جا که مشروعیت عملیات بازداشت بر مبنای متعارف بودن ظن افسر پلیس بر اساس حقایق موجود در زمان دستگیری بررسی می‌شود، لذا این موضوع باعث مسؤلیت مأمور نخواهد شد. در این رابطه در دعوای انگلیسی آر علیه کولینیکز^۲ اعلام شد که اگر دلایل نادرست به متهم ابلاغ شود، به محض ارائه‌ی دلایل اصلی در ایستگاه پلیس، بازداشت صورت گرفته قانونی خواهد بود و نیاز به آزادسازی متهم و بازداشت مجدد وی نیست (Eryilmaz, 1999: 75). بدین ترتیب افسر پلیس می‌بایست بدون تعلل، دلایل و ماهیت جرم مد نظر را به متهم اعلان کند، بدون

1. Lewis V chief constable of south wales constabulary

2. R v kulynycz

آن که استرس ایجاد مسئولیت داشته باشند. البته این موضوع نباید بهانه‌ای جهت ارائه‌ی دلایل ناقص، مبهم و غلط به متهم شود (Eryilmaz, 1999: 75). همچنین گفته شده است که اگر افسر پلیس درصدد تغییر نوع اتهام باشد، مکلف است این موضوع را کتباً به متهم ابلاغ کند؛ و در غیر این صورت، مسؤول خواهد بود (بنگرید به: انصاری، ۱۳۸۰: ۳۷۶).

۲. عدم استفاده از نیروی قهری

بازداشت قضایی می‌بایست با استفاده از نیروی معقول و متعارف محقق شود؛ زیرا هدف از بازداشت صرفاً توقیف و تحویل شخص متهم به مقامات قضایی ذی صلاح است. بدین ترتیب جهت بازداشت فردی که بدون هیچ مقاومتی تسلیم می‌شود، نباید از نیروی قهری و آلات آن چون سلاح گرم استفاده شود؛ زیرا این حق متهم است که با حفظ کرامت انسانی و فارغ از هر گونه هتک حیثیت در محضر مقام قضایی حاضر شود. از طرفی اشخاص افزون بر حق امنیت در برابر بزهکاری، دارای حق بر تأمین به مفهوم مصونیت در برابر دستگیری متعرضانه می‌باشند؛ بنابراین در فرایند دستگیری ایشان نباید از نیروی غیر متعارف و کشنده که ایراد آسیب را در پی دارد، استفاده نمود.

این موضوع مورد تصریح برخی اسناد حقوقی در سطح بین‌الملل قرار گرفته است. به موجب ماده‌ی ۳ نظام‌نامه‌ی رفتار مأموران پلیس مصوب ۱۹۷۹^۱: «مأمورین اجرای قانون صرفاً در صورت وجود ضرورت جدی می‌توانند از نیروی قهریه استفاده کنند و آن هم به مقداری که مورد نیاز اوضاع و احوال حاکم باشد». در این مقرره، افزون بر شرط ضرورت، شرط تناسب نیز لحاظ شده و استفاده از نیروی غیر متعارف می‌بایست در حد دفع خطر و بازداشت مجرم باشد. همچنین به موجب اصل ۴ اصول بنیادین کاربرد زور و اسلحه‌ی گرم توسط مأموران اجرایی، استفاده از زور منوط به وضعیتی است که راه‌های مسالمت‌آمیز مؤثر نباشد. به موجب این قانون «مأموران نیروی انتظامی در اجرای وظایفشان تا آنجایی که ممکن است، پیش از توسل به زور باید ابزار متعارف را به کار گیرند. آن‌ها زمانی از زور و سلاح‌های گرم

1. Code of Conduct for Law Enforcement Officials (1979)

استفاده می‌کنند که ابزار دیگر نامؤثر بوده و نتیجه‌ی مورد نظر حاصل نمی‌گردد». در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز به موجب بند ۲ از بخش ب ماده‌ی ۲ (حق حیات افراد)، در مواردی که استعمال قوه‌ی قهریه کاملاً ضروری به نظر می‌رسد، استفاده از این نیرو جهت دستگیری افراد قابل توجیه است.^۱ به استناد این قانون، در دعوای مک کان علیه پادشاهی متحده^۲ به عوامل دولت اجازه داده شد، در مواقعی که اعتقاد صادقانه و دلایل منطقی جهت استفاده از نیروی مرگبار^۳ وجود داشته باشد، بتوانند از این نیرو استفاده کنند (Welch Staff, 2001: 35). حال اگر مأموران بدون ملاحظه‌ی شرط ضرورت و تناسب، اقدام به استفاده از نیروی قهری غیر متعارف کنند، مسؤول خواهند بود.^۴

در انگلستان این موضوع در ماده‌ی ۱۱۷ قانون پلیس و ادله‌ی جنایی مصوب ۱۹۸۴^۵ تصریح شده است. به موجب این ماده «مأمور پلیس در صورت ضرورت با وجود دو شرط می‌تواند از نیروی معقول و متعارف استفاده نماید؛ اولاً اختیار دستگیری به مأمور پلیس واگذار شده باشد؛ و دوم، اعمال این اختیار به رضایت فردی غیر از افسران پلیس مشروط نباشد». افزون بر این، در بند ۱ ماده‌ی ۳ قانون حقوق جزا مصوب ۱۹۶۷^۶ استفاده از نیروی متعارف به منظور پیش‌گیری از وقوع جرم یا انجام دستگیری قانونی مجرمان و مظنونان پیش‌بینی شده است (Davis, 2016: 415). در این رابطه در پرونده براون اعلام شد: در جایی که یک مأمور پلیس به طور قانونی عمل کرده و از مقدار خشونت استفاده می‌کند که برای پیش‌گیری از وقوع جرم و دستگیری متهم لازم است، ادعای دفاع مشروع مظنون

۱. به موجب این مقرر «در موارد زیر که استفاده از قوه‌ی قهریه کاملاً ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد، محرومیت حیات افراد ناقض مفاد این ماده محسوب نمی‌شود: ... ب- در موارد اقدام به بازداشت قانونی افراد یا جلوگیری از فرار شخصی که با قرار قانونی زندانی شده است».

2. McCann v United kingdom

3. lethal force

۴. در این رابطه ماده‌ی ۷ قانون اصول بنیادین کاربرد زور و اسلحه گرم توسط مأموران اجرایی اعلام می‌دارد: «حکومت‌ها اطمینان می‌دهند که استفاده‌ی خودسرانه یا توهین‌آمیز از زور توسط مأموران نیروی انتظامی تخلف جنایی بوده و تنبیه به همراه دارد».

5. Police and Criminal Evidence Act (1984)

6. Criminal law Act (1967)

قابل پذیرش نیست (رحیمی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۰۴). بدین ترتیب در نظام حقوقی انگلستان استفاده از نیروی متعارف جهت دستگیری، حق قانونی بازداشت کننده محسوب می‌شود و برای متهم وضعیت دفاع مشروع را ایجاد نمی‌کند. از طرفی ضرورت تفتیش متهم حین عملیات دستگیری^۱، ایجاب می‌نماید عملیات بازرسی عادلانه، مسؤولانه و همراه با رعایت احترام متهم باشد؛ ضمن آن که لازم است از هر گونه تبعیض غیر قانونی پرهیز شود (Mallison & Moules, 2010: 128). بدین ترتیب استفاده از قوه‌ی قهریه جهت تفتیش افراد نیز می‌بایست به حداقل سطح ممکن کاهش یابد (Jason-Lloyd, 2005: 41) و استفاده از آن باید محدود به مواردی باشد که شخص مایل به همکاری نیست و یا از همکاری ممانعت می‌کند.^۲ در این حالت استفاده از نیروی غیر متعارف باعث مسؤولیت افسر مربوطه نمی‌شود. افزون بر افسران پلیس، شهروندان عادی نیز مکلفند از نیروی متعارف برای بازداشت مظنونین استفاده کنند (مهرها و جهانی، ۱۳۹۴: ۵۳). در پرونده‌ی رجینا علیه رنوف^۳ شهروندی به منظور تعقیب و توقیف متهم، از اتومبیل شخصی خود استفاده کرد. وی برای دستگیری متهم اقدام به رانندگی خارج از جاده نمود و متهم به رانندگی خطرناک^۴ گشت. دادگاه تجدید نظر انگلستان در این رابطه اعلام نمود مسؤولیت چنین اتهامی برای وی وجود ندارد؛ مشروط بر آن که رانندگی خطرناک وی در آن شرایط برای بازداشت متهم متعارف و ضروری باشد (Jacson, 2003: 297). در این میان رفتار خشونت‌بار افراد در زمان دستگیری، ضمن آن که موجب انتساب اتهام تجاوز^۵ و حبس غیر قانونی برای بازداشت کننده می‌شود (Wakefield & Fleming, 2009: 21)، می‌تواند تأثیر شگرفی در فرایند دادرسی داشته باشد. به طور مثال در یک پرونده‌ی انگلیسی که افسر پلیس حین دستگیری نوجوان شانزده ساله، ضمن رفتار خشونت‌بار به او گفت: «اگر یک کلمه اضافه بگویی، صورت عربی شکل تو را خرد می‌کنم»؛ قاضی دادگاه اعلام

۱. برای مطالعه‌ی ضرورت تفتیش متهم حین عملیات دستگیری، بنگرید به: پرویزی فرد، ۱۳۹۱: ۱۷۵.

2. Code of practice (A), para3.2

3. Regina v Renouf

4. Reckless driving

5. Assault

نمود که حاضر به پذیرش گزارش افسر مذکور نبوده و حکم به تعلیق وی داد (Sanders & Young and Burton, 2010: 129).

در تعیین این موضوع که آیا نیروی به کار رفته شده معقول است، می‌بایست عواملی توسط محکمه ملاحظه گردد. از جمله‌ی این علل، سنگینی و اهمیت جرم، میزان اجبار به کار گرفته شده و بررسی زیان‌های حاصل از اعمال این نیرو است (Feldman, 2009: 969). در دعوی رابرتز علیه رئیس پلیس شهرستان کنت^۱ در انگلستان، متهمی به علت فرار توسط سگ پلیس گاز گرفته شد. به او هشدار داده شد که در صورت تلاش برای فرار مجدد، باز هم توسط سگ آسیب خواهد دید. در طی عملیات دستگیری، سگ پلیس صدمه شدیدی به متهم وارد کرد و باعث شد که وی ادعای غیر متعارف بودن استفاده از این حیوان را مطرح کند. دادگاه با بررسی همه‌ی عوامل مؤثر، حکم به معقول بودن نیروی استفاده شده داد و ادعای متهم را رد نمود.^۲ هم‌چنین در دعوی دانلی علیه جکمن^۳ یک افسر پلیس به قصد توقف و طرح پرسش از مظنون، به شانه‌های وی ضربه زد. در پاسخ به رفتار این مأمور، مظنون به وی حمله‌ور شد و به اتهام حمله به مأمور^۴ حین انجام وظیفه بازداشت گردید. متهم ادعا نمود که رفتار مأمور ضرب و جرح بوده و وی حق دفاع از خود را داشته است. دادگاه رأی داد که رفتار افسر پلیس ضرب و جرح نبوده و عملکرد متهم قابل توجیه نیست.^۵ بدین ترتیب دادگاه‌ها با بررسی فاکتورهای مد نظر در هر پرونده، متعارف بودن نیروی به کار گرفته شده توسط افسران را بررسی می‌نمایند.

در انگلستان استفاده از نیروی غیر متعارف، حین دستگیری، وصف غیر قانونی بر دستگیری بار می‌کند و زمینه را برای دفاع مشروع متهم فراهم می‌کند؛ بنابراین استفاده از نیروی قهریه باید متعارف و معقول باشد. این حکم مربوط به حالتی است که متهم بدون هیچ مقاومتی تسلیم مأموران می‌شود؛ لذا در صورت

1. Roberts v Chief Constable of Kent

2. <http://swarb.co.uk/roberts-v-chief-constable-of-kent-ca-17-dec-2008/>

3. Donnelly v Jackman

4. Assaulting an officer

5. <http://www.e-lawresources.co.uk/Donnelly-v-Jackman.php>

مقاومت از سوی وی، استفاده از نیروی قهریه، امکان‌پذیر است (مهر و جهانی، ۱۳۹۴: ۵۳). هم‌چنین اگر مأمور علم داشته باشد که با استفاده از نیروی متعارف، بیم خطر جانی برای خود یا دیگری می‌رود، حق استفاده از نیروی قهریه برای ایشان محفوظ است. افزون بر این، در سیاست «شلیک مرگبار»^۱ که برای پیش‌گیری از وقوع جرایم تروریستی و مقابله با این جرایم در نظر گرفته شده است، مقنن انگلیسی به افسر پلیس اجازه‌ی استفاده از نیروی مرگبار را داده است. به موجب این سیاست، اگر مأمور پلیس به ارتکاب عملیات تروریستی توسط فرد معینی ظن داشته باشد، می‌تواند ابتدائاً اقدام به قتل وی نمایند (میری، ۱۳۹۰: ۲۳۵). بدین ترتیب در شرایط عادی نمی‌توان متهم را با هر نوع آسیب غیر قانونی بازداشت نمود و تنها در مواجهه با برخی شرایط و یا جرایم خاص، به مأمور اجازه‌ی استفاده از نیروی مرگبار جهت توقف متهم داده شده است.

۲. تحویل سریع متهم

تحویل اشخاص دستگیر شده از جمله مراحل مربوط به فرایند تحقیقات مقدماتی است و لازم است در کوتاه‌ترین زمان ممکن محقق گردد. از آن‌جا که متهمان عموماً معتقد به غیر قانونی بودن توقیف خود هستند، با حضور فوری نزد مرجع ذی‌صلاح، سریع‌تر اعاده‌ی حق نموده و نسبت به آن اعتراض می‌کنند. از طرفی با وجود این بایسته، تکلیف متهم سریع‌تر مشخص شده و مانع از سردرگمی و بلا تکلیفی وی می‌شود. هم‌چنین ممکن است ارتکاب جرم مسجل باشد، لیکن به نگهداری متهم نیاز نباشد؛ با تحویل فوری مرتکب به این مراجع، ارزیابی ضرورت بازداشت وی سریع‌تر صورت می‌گیرد. بنابراین تضمین منافع اشخاص دستگیر شده و جلوگیری از نقض حقوق اساسی ایشان، چنین بایسته‌ای را ایجاب می‌کند.

در سطح اسناد بین‌المللی، بند ۳ ماده‌ی ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی اعلام می‌دارد: «هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می‌شود، باید او را در اسرع وقت نزد دادرس یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود...». هم‌چنین به موجب بند ۳ ماده‌ی ۵

1. «Shoot to kill» policy

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «هر کس در چارچوب مفاد قسمت C بند ۱ این ماده دستگیر یا بازداشت گردیده است، باید فوراً نزد قاضی یا دیگر مقام ذی‌صلاح قانونی جهت اعمال قدرت قضایی اعزام شود...». افزون بر این، بند ۱ ماده‌ی ۱۰ اعلامیه‌ی ناپدید شدگی^۱، بند ج پاراگراف ۲ قطع‌نامه‌ی کمیسیون آفریقایی^۲، بند ۵ ماده‌ی ۷ کنوانسیون آمریکایی، ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون آمریکایی ناپدیدشدگی^۳ و بند ۲ ماده‌ی ۵۹ اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری^۴ به صورت ضمنی به این مهم اشاره داشته‌اند. همان‌طور که مشخص است، استانداردهای بین‌المللی اذعان داشته‌اند که متهم پس از دستگیری می‌بایست فوراً تحویل مرجع ذی‌صلاح شود، لیکن در این رابطه محدودیت زمانی در نظر نگرفته‌اند. هم‌چنین سازکارهای مربوط به اجرای این بایسته در اسناد مذکور پیش‌بینی نشده است.

در نظام حقوقی انگلستان، به موجب بند یک ماده‌ی ۳۰ قانون پلیس و ادله‌ی جنایی (۱۹۸۴) «هرگاه شخصی توسط افسران پلیس در محلی غیر از اداره‌ی پلیس بازداشت شود یا شهروندان اقدام به دستگیری وی نموده و به مأموران ذی‌صلاح بسپارند، لازم است بازداشت شده در اسرع وقت به اداره‌ی پلیس منتقل شود». به موجب بند ۲ این مقرر، شخص توقیف شده می‌بایست به اداره‌ی پلیس منتخب^۵ انتقال یابد. اداره‌ی پلیس منتخب به آن دسته از ادارات انتظامی اطلاق می‌شود که توسط رییس پلیس هر حوزه جهت توقیف و نگهداری دستگیر شدگان انتخاب می‌شود. در واقع شخص مذکور با ملاحظه‌ی استانداردها و امتیازات موجود در ادارات پلیس، چنین نهادی را برمی‌گزیند (Cownie and Bradney & Burton, 2007: 255). البته در شرایطی خاص و استثنایی، شخص بازداشت شده می‌بایست به سایر ادارات پلیس منتقل شود

1. Declaration on the Protection of All Persons from Enforced Disappearance (1992)
2. African Commission Resolution on the right to Recourse Procedure and Fair Trail (.....)
3. Inter-American Convention on Forced Disappearance of persons
4. Rome Statute of the International Criminal Court (.....)
5. Designated police station

(Murphy & Eric, 2011: 1190). به موجب بند ۵ ماده‌ی ۳۰ قانون پلیس و ادله‌ی کیفری، این شرایط عبارت است از: «وقتی عملیات بازداشت توسط یک افسر پلیس صورت گرفته یا آن که عملیات مذکور توسط فردی غیر از مأموران پلیس انجام شده باشد و پس از دستگیری، متهم را به افسری که تنهاست تحویل دهند و مأمور دیگری جهت کمک به افسر مذکور وجود نداشته باشد و مأمور معتقد باشد که نمی‌توان شخص دستگیر شده را بدون آن که به وی یا خودش یا دیگری صدمه‌ای وارد کند به اداره‌ی پلیس منتخب انتقال داد». به موجب بند ۶ این مقرر، اگر متهم در مقرّ پلیسی غیر از اداره‌ی پلیس منتخب برده شود، می‌بایست حداکثر ظرف مدت شش ساعت به اداره‌ی پلیس منتخب منتقل گردد^۱ (Stone, 2014: 119).

در حوزه‌ی بازداشت‌های شهروندی نیز چنین بایسته‌ای وجود دارد؛ چنان که هر شخص عادی که اقدام به بازداشت خصوصی می‌کند، مکلف به تحویل مجرم در کوتاه‌ترین زمان ممکن به اداره‌ی پلیس است و در غیر این صورت مسؤول تجاوز به اشخاص و حبس غیر قانونی خواهد بود (Mothersole & Ridley, 1999: 153). در پرونده بروین در سال ۱۹۷۶ میلادی^۲ کودکی توسط شخص عادی دستگیر و به پدرش تحویل داده شد. از آن جا که دستگیری از جانب پدر طفل نبود و تصمیم جدی برای تحویل طفل به پلیس نیز وجود نداشته است، حکم به غیر قانونی بودن بازداشت داده شد (Sanders & young and Burton, 2010: 154). ظاهراً این حکم برای ممانعت از ارتکاب جرایمی چون آدم‌ربایی توسط شهروندان صادر شده و به عنوان یک رویه درآمده است.

برای تشخیص این موضوع که آیا متهم فوراً تحویل مراجع ذی صلاح داده شده است، می‌بایست به اوضاع و احوال حاکم بر پرونده توجه نمود؛ زیرا در برخی بازداشت‌ها، تأخیر در انتقال متهم دارای وجهه‌ی منطقی و قانونی است. به عبارت

۱. برای جلوگیری از تجاوز به حقوق متهم و بررسی معقولانه بودن میزان تأخیر صورت گرفته، به موجب بند ۱۱ ماده‌ی ۳۰ قانون پلیس و ادله‌ی کیفری، به محض ورود به اداره‌ی پلیس این تأخیر به همراه دلایل آن می‌بایست ثبت و ضبط گردد (PACE.(30) 11).

2. Brewin (1976)

دیگر، وجود برخی ضرورت‌ها باعث مشروعیت چنین تعللی می‌گردد. در انگلستان این ضرورت‌ها عبارتند از:

- ۱- لزوم انجام برخی تحقیقات فوری از شخص دستگیر شده به منظور بررسی هر گونه ادعا یا تفتیش منزل وی^۱ یا هر موضوع دیگر؛
 - ۲- لزوم حضور متهم نزد مأموران به منظور انجام برخی تحقیقات.^۲
- بدین ترتیب در صورت ضرورت چنین تحقیقاتی، تأخیر در تحویل متهم دارای مشروعیت قانونی است (Eryilmaz, 1999: 77-78). در بازداشت‌های شهروندی نیز چنین تأخیری نباید منجر به مسؤولیت کیفری دستگیر کننده شود؛ چرا که لزوم رعایت برخی بایسته‌ها و تشریفات قانونی چنین تعللی را ایجاب می‌کند. در پرونده‌ی انگلیسی جان لوپس علیه تایمز^۳ متهمی که توسط نگهبان فروشگاه دستگیر شده بود، سریعاً تحویل مراجع ذی‌صلاح نشد و برای تفحص ابتدا نزد مدیر فروشگاه برده شد. دادگاه با این استدلال که عملیات بازداشت به نیابت از مدیر فروشگاه صورت گرفته است، تأخیر نگهبان فروشگاه را تأیید کرد (Sanders & young and Burton, 2010: 153-154). هم‌چنین برای تشخیص بی‌گناهی متهم یا ادامه‌ی بازداشت وی، گاه لازم است متهم برای مدتی کوتاه نگه داشته شود و این مستلزم تأخیر در تحویل وی خواهد بود.

۱. در رابطه با تفتیش منزل متهم به موجب بخش ب از بند ۲ ماده‌ی ۳۲ قانون پلیس و ادله‌ی کیفری «اگر مأمور میانی متعارفی برای کشف ادله‌ی جرمی که شخص به خاطر آن دستگیر شده داشته باشد، حق تفتیش محلی که متهم در زمان دستگیری یا محیطی که وی پیش از بازداشت بلافاصله در آن‌جا حضور داشته را دارد» (PACE.32(2)(b)). افزون بر این، ضرورت تفتیش متهم نیز چنین تعللی را ایجاب می‌نماید. به موجب بخش الف این مقرر، اختیار تفتیش متهم با هدف تحصیل ادله‌ی هر جرمی به افسران پلیس واگذار شده است (PACE.32(2)(a)).

2. PACE.30(10)(a)

3. John Lewis V Times

برآمد

۱- «ابلاغ دستگیری و دلایل آن به متهم»، «استفاده از نیروی متعارف» و «تحويل فوری متهم به مراجع ذیصلاح» از عمده‌ترین ضوابط عملیات دستگیری در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی انگلستان است. رعایت این بایسته‌ها باعث اصولی‌تر شدن فرایند سلب آزادی شده و مانع از تجاوز به سلامت دادرسی و حقوق متهم می‌شود؛ لذا لازم است در لحظه‌ی دستگیری یا نخستین زمان ممکن پس از آن اعمال شود. این موضوع در دستگیری‌های شهروندی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که شهروندان عمدتاً فاقد مهارت و سواد حقوقی کافی بوده و این امر زمینه‌ساز تجاوز به حقوق افراد است.

۲- در نظام حقوقی ایران عمده‌ی این بایسته‌ها به صراحت پیش‌بینی نشده است؛ لیکن بنا به حکم عقل و کلیات حوزه‌ی بازداشت می‌بایست چنین تکالیفی را برای ضابطان و شهروندان در نظر گرفت. بنابراین نمی‌توان با ادعای سکوت قانون‌گذار، ضابط را از اجرای چنین بایسته‌هایی منع نمود.

۳- در تبیین این بایسته‌ها باید گفت، لازم است متهم از نفس دستگیری و دلایل آن در اسرع وقت آگاهی یابد تا در صورت احراز غیر قانونی بودن این عملیات، به مقامات ذی‌ربط شکایت کند. با ابلاغ این اطلاعات، متهم از بلا تکلیفی و سرگردانی‌های یافته و می‌تواند قانونی بودن بازداشت خود را مورد مناقشه قرار دهد. از طرفی هدف از دستگیری متهم، انتقال وی به مرجع قضایی ذی‌صلاح جهت پاسخگویی به اتهامات است؛ بنابراین ضروری است کرامت ایشان از هر گونه آسیب حفظ شود و بدون استفاده از نیروی غیر متعارف بازداشت گردد. این حکم مربوط به حالتی است که متهم بدون مقاومت تسلیم مأموران می‌شود؛ لیکن در صورت مقاومت متهم در مقابل پلیس، می‌توان از چنین نیرویی استفاده نمود. از آن‌جا که ممکن است متهم به اشتباه بازداشت شود، لازم است در کوتاه‌ترین زمان ممکن نزد مرجع ذی‌صلاح اعزام شود تا بتواند سریع‌تر اعاده‌ی حق نموده و از برائت خود دفاع کند.

فهرست منابع

- انصاری فرد، ولی‌اله، *حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)*، تهران: سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۰.
- بیروند، رضا؛ کوشا، جعفر؛ هاشمی، حمید و رنجبر، بهرام، «وظایف پلیس شهروندمدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان (در مرحله تحقیقات مقدماتی)»، فصل‌نامه‌ی دانش انتظامی، شماره‌ی ۳، پاییز ۱۳۸۹.
- پرویزی فرد، آیت‌اله، *آیین دادرسی کیفری تطبیقی (سلب آزادی متهم در حقوق ایران و انگلستان)*، تهران: جنگل، چاپ نخست، ۱۳۹۱.
- حاتمی، مهدی و حاجی‌زاده، محمود، «بررسی قانون ضد تروریسم انگلستان»، مجله‌ی حقوقی (مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری)، شماره‌ی ۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
- رحیمی مقدم، احمد، *دفاع مشروع در حقوق کیفری ایران و انگلستان (با مطالعه تطبیقی در حقوق جزای کشورهای اروپای قاره‌ای و آمریکا)*، تهران: مجد، چاپ نخست، ۱۳۸۹.
- طه، فریده و اشرافی، لیلا، *دادرسی عادلانه*، تهران: میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۶.
- محمدی قوهکی، محمود، *حقوق بازداشت شدگان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، تهران: جاودانه، چاپ نخست، ۱۳۹۳.
- معین، محمد، *فرهنگ معین*، تهران: آدنا، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.
- مهر، نسرین و جهانی، بهزاد، «دستگیری شهروندی در حقوق ایران و انگلستان»، مجله‌ی پژوهش حقوق کیفری، شماره‌ی ۱۴، بهار ۱۳۹۵.
- میری، سید رضا، *آیین دادرسی کیفری (تعقیب کیفری، بررسی تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران و انگلستان)*، تهران: مجد، چاپ نخست، ۱۳۹۰.
- Beggs QC, John; Thomas, George; Susanna Rickard, **Public Order: Law and Practice (Blackstone's Practical Policing)**, 1 Edition, Blackstone Press, 2013.
- Cownie, Fiona; Anthony Bradney; Mandy Burton, **English Legal System in Context**, Fourth Edition, Oxford University Press, 2007.

Crawshaw, Ralph; Leif Holmström, *Essential Cases on Human Rights for the Police: Reviews and Summaries of International Cases*, Martinus Nijhoff Publishers, 2006.

Crawshaw, Ralph, *Police and Human Rights: A Manual for Teachers and Resource Persons and for Participants in Human Rights Programmes*, 2nd ed, Publisher: Brill – Nijhoff, 2008.

Davis, Howard, *Human Right Law Direction*, 4th ed. Edition, Oxford University Press, 2016.

Emmerson, Ben; Ashworth, Andrew; Alison Macdonald, *Human Rights and Criminal Justice*, 3rd revised Edition, Publisher: Sweet & Maxwell, 2012.

Eryilmaz, M. Bedri, *Arrest and Detention Powers in English and Turkish Law and Practice in the Light of the European Convention on Human Rights*, One Edition, Publisher: Springer, 1999.

Faragher, Colin, *Public Law; Law Revision and Study Guide*, Fourth Edition, Oxford University Press, 2015.

Feldman, David, *English Public Law*, Second Edition, Oxford University Press, 2009.

Jackson, Michael, *Criminal Law in Hong Kong*, Hong Kong University Press, 2003.

Jason-Lloyd, Leonard, *Introduction to Policing and Police Powers*, 2 Editions, Publisher: Routledge-Cavendish, 2005.

Joseph, Sarah; Melissa Castan, *The International Covenant on Civil and Political Rights: Cases, Materials, and Commentary*, 3 Editions, Oxford University Press, 2013.

Kodilinye, Gilbert, *Commonwealth Caribbean Tort Law*, 5 Editions, Publisher: Routledge, 2014.

M. W. Billing, Fenella, *The Right to Silence in Transnational*

- Criminal Proceedings: Comparative Law Perspectives*, 1st ed, Publisher: Springer, 2016.
- Malleson, Kate; Richard Moules, *The Legal System*, Fourth Edition, Oxford University Press, 2010.
- Mandelstam, Michael, *Safeguarding Vulnerable Adults and the Law*, one edition, Jessica Kingsley Publishers, 2009.
- Mohan Upadhyay, Chandr, *Human Right in Pre-trial Detention*, Publisher APH Publ Corporation, 1999.
- Mothersole, Brenda; Ann Ridley, *a Level Law in Action*, Second Edition, Basingstoke, Macmillan, 1999.
- Murphy, Peter; Stockdale Eric, *Blackstone's Criminal Practice 2012*, 22 ed, Oxford, oxford university press, 2011.
- Parpworth, Neil, *Constitutional and Administrative*, 9 Editions, Oxford University Press, 2016.
- Pati, Roza, *Due Process and International Terrorism: An International Legal Analysis*, Martinus Nijhoff Publishers, 2009.
- Rainey, Bernadette, *Human Rights Law: Concentrate*, Third Edition, Oxford University Press, 2015.
- Sanders, Andrew; Young, Richard; Mandy Burton, *Criminal Justice*, Fourth Edition, Oxford University Press, 2010.
- Slapper, Gary; David Kelly, *The English Legal System: 2011-2012*, 12 Edition, Publisher: Routledge, 2011.
- Stone, Richard, *Textbook on Civil Liberties and Human Rights*, 10th Edition, Oxford University Press, 2014.
- Vollans, Tim; Glenn Asquith, *English Legal System Concentrate: Law Revision and Study Guide*, 2nd ed, Oxford University Press, 2011.
- Wakefield, Alison; Jenny Fleming, *The SAGE Dictionary of Polic-*

- ing*, One Edition, SAGE Publications, 2009.
- Welch Staff, Hungerford, *Sourcebook on Criminal Law*, Second Edition, Publisher: Cavendish Pub Ltd, 2001.
- Zander, Michael, *Cases and Materials on the English Legal System*, Tenth Edition, London, Cambridge University Press, 2007.
- <http://swarb.co.uk/roberts-v-chief-constable-of-kent-ca-17-dec-2008/>
- <http://www.e-lawresources.co.uk/Donnelly-v-Jackman.php>
- <http://www.inbrief.co.uk/offences/outraging-public-decency/>
- <http://www.sixthform.info/lawblog/?p=121>
- https://en.wikipedia.org/wiki/Anti-Vivisection_Coalition
- <https://www.luu.org.uk/helpandadvice/crimeandlaw/beingarrested/>